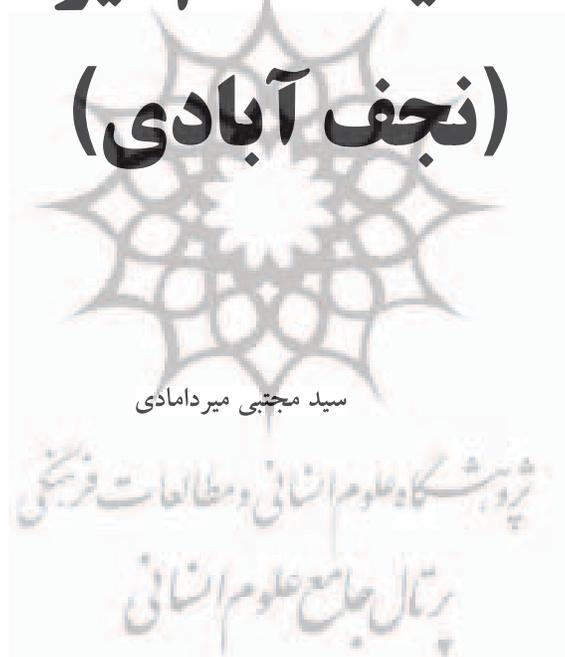


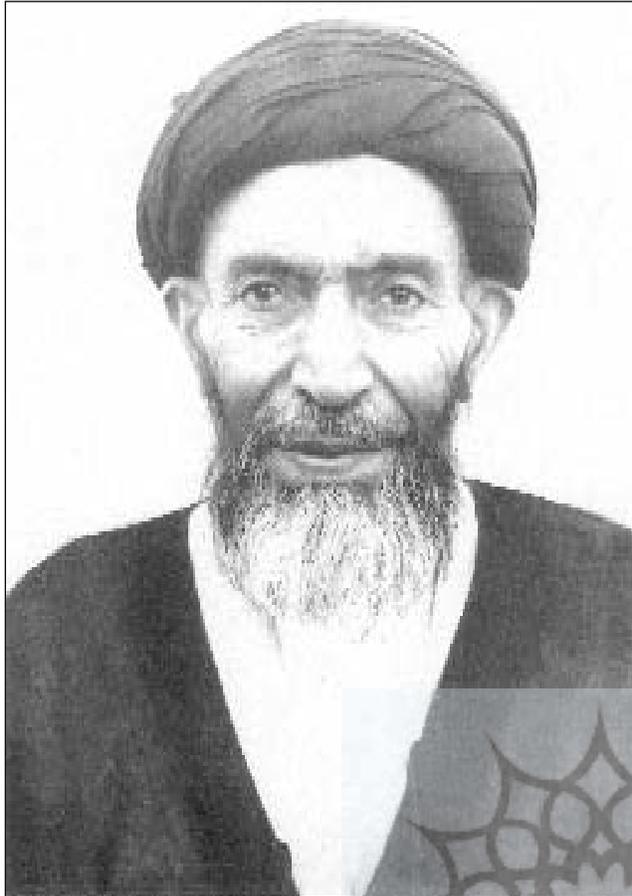
آیت الله سید هاشم میر دامادی (نجف آبادی)



نسب

بزرگ فلاسفه اسلام، ملقب به معلم ثالث، میر محمد باقر داماد سر سلسله خاندان بزرگ میردامادی است. و از این ناحیه، نسب آیت الله سید هاشم میردامادی، به میر محمد باقر داماد و نسب میر داماد با ۲۱ واسطه، به امام علی بن حسین (ع) منتهی می شود. در میان اجداد میر داماد، امیران و رجال بزرگی نظیر سید کمال الدین و سید قوام الدین، مدفون در آمل، قرار دارند که از سادات مرعشی بودند، و مدتی در منطقه بزرگی فرمانروایی می کردند. شجره کبیره خاندان میردامادی، در سال ۱۳۶۳ به نحو بسیار زیبا و دقیق چاپ شده است.

نسب آیت الله سید هاشم میردامادی با ۳۰ واسطه، به ابوالحسین محمد دیباج، فرزند حضرت امام صادق (ع)، می رسد. بیشتر نیاکان وی، اهل دانش و فضل بودند، و نوابغ و رجال علمی بزرگی در میان آنان قرار داشتند؛ نظیر علامه میر محمد اشرف (د. ۱۱۴۵ هـ. ق) صاحب کتاب فضائل السادات، که فرزند علامه میر عبد الحییب (د. ۱۱۲۱ هـ. ق) - مدفون در تخت فولاد اصفهان -، و وی (میر عبد الحییب) فرزند علامه احمد عاملی صاحب تالیفات بسیار، از جمله: مصقل الصفافی الرد علی النصاری، نفحات اللاهوتیه و مفتاح الشفاء است، که ایشان داماد و پسر خاله و شاگرد



آیت الله سید هاشم میردامادی

مالهای شبیه ناک تصرف نمی کرد، و پایه زندگی را بر قناعت گذرانده بود. زندگی ساده ای داشت، و مازاد را در راه خدا انفاق می کرد، با تجملات و زیاده روی، سخت مخالف بود، و توکلی فوق العاده داشت. بر اثر مراقبت زیاد، دل و نفس خویش را اسیر کرده بود.

اخلاق و عادات

افرادی که با معظم له آشنایی داشتند، دلباخته وی بودند. او سر سوزنی کبر و غرور نداشت، بسیار متواضع و فروتن بود. اخلاق و رفتارش، در همه مدت عمر، به یک میزان بود. مقامات ظاهری اشخاص، در روحیه وی اثری نمی گذاشت. و همچون دوران طلبگی، تا آخر عمر زندگی کرد. وی کسانی را که علماً و نسباً از وی پایین تر بودند، بر خود مقدم می داشت و ذره ای ناراحتی در وجودش احساس نمی شد. دارای صفای باطن بود، به گفته ها و درد دل های افراد توجه کامل می نمود و واقعاً متأثر و اظهار همدردی می کرد.

ایشان میزان را، عقل و شرع قرار داده بود، و می فرمود که نباید تابع مردم بود. با هیاهو و جنجال مخالف بود. شبستان ایشان که در ضلع غربی مسجد جامع گوهرشاد قرار داشت، محیطی آرام و دلپذیر بود. خود با توجه به آیات ۶۳ سوره انعام و آیه ۵۵ و ۲۰۶ از سوره اعراف و روایاتی از مرحوم طبرسی، از جمله اینکه پیامبر (ص) فرمودند: «انکم لا تدعون اصماً و لا غائباً انکم تدعون سمیعاً قریباً انه معکم»، به آرامش دعوت می کرد [گنجینه دانشمندان، ج ۷، ۱۷۸].

ولادت و دوران کودکی

تولد ایشان، در سال ۱۳۰۳ هـ. ق در نجف اشرف اتفاق افتاد، در سن دو سالگی، پدر بزرگوار خویش را از دست داد و تحت حمایت پر مهر مادری فاضله و پاک سیرت، دوران کودکی را گذراند. ایشان بر اثر فراست و هوش ذاتی، از همان اوایل رشد همت به تحصیل علم و کمال گماشت. از خود معظم له نقل است که می فرمود: «من از سنین قبل از بلوغ، علاقه سرشار به مجالس علما و رجال علمی داشتم. و بیشتر وقت من، در محضر شخصیت های بزرگ و مراجع آن وقت نجف می گذشت. آمادگی فوق العاده برای کسب فضایل و پذیرش هرگونه استفاده علمی داشتم. و تنها آرزوی من، رسیدن به مقامات عالیه علم و عمل بود. و از طرفی، مادرم به جهت سختی در امر معاش، اصرار داشت که در پی کسب و کار بروم. تا آنکه، از یکی از استادان خواستم نزد مادرم بیاید و وی را راضی به ادامه تحصیل نماید. و نتیجه، آن گردید که این مشکل، از پیش پایم برداشته شد.»

استادان

ایشان مقدمات و سطح را با جدیت کامل نزد مدرسان معروف گذراند، و سپس در حوزه های بزرگ از محضر آیات عظام: آخوند سید محمد کاظم خراسانی صاحب کفایة الصول، آقا میرزا محمد تقی شیرازی و آقا میرزا حسین نائینی استفاده نمود و به درجه رفیعه اجتهاد نایل آمد وی از استادان اخلاق و عرفان؛ همچون: سید احمد کربلایی، سید مرتضی کشمیری و آقا میرزا جواد ملکی تبریزی، بهره های بسیار برد. در نتیجه کوشش و پشت کار فراوان، در سنین جوانی مقام شامخی از علم و عمل پیدا کرد.

آیت الله سید هاشم میردامادی از دو استاد خود، میرزا محمد تقی شیرازی و حاج سید احمد کربلایی، بسیار یاد می کرد، از یاد آنان لذت می برد و از سجایای اخلاقی آن دو داستانهایی نقل می فرمود. خود می فرمود: «بعد از آقا میرزا محمد تقی شیرازی، دیگر کسی به آن مهدبی و پاکی ندیدم» و نیز معظم له درباره حاج سید احمد کربلایی می فرمود: «این مرد، همواره حال انقطاع و توجه به خدا داشت. و گاهی که با شاگردان مشغول صحبت بود و می خندیدند، در بین صحبت و خنده توجهی به خدا می کرد و گوشه های چشمش اشک جاری می گشت. و در آن حال، به احدی توجه نداشت.»

تقوا و زهد

موفقیت وی در زهد و تقوا کم نظیر، و مورد غبطه اقران خود بود. نجابت خانوادگی، تقید مادر وی به عبادات، سنن و ادعیه، شوق کامل از عنفوان جوانی به تکمیل نفس و تهذیب روح، مراوده با متقیان و مردان حق، و ریاضت های مشروعه، همگی دست به هم داد، و در او وجودی ساخت که جز رضای الهی، چیزی در نظرش جلوه نمی کرد. حبّ و بغض او، روی محور خدا بود. در مدت عمر، ذره ای آلودگی پیدا نکرد. از بعضی افراد که می خواستند از رفاقت سوء استفاده نمایند، برای خدا قطع رابطه کرد. از مشتهات گریزان بود؛ تا چه رسد به محرّمات. در



آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی

مبارزات سیاسی

در دوره رضاخانی با توجه به خفقان و فضای وحشت که بر ایران حکومت می کرد، آیت ا. . . سید هاشم میردامادی در دفاع از اسلام سخت و بی پروا بود. در حادثه مسجد گوهرشاد به سال ۱۳۱۴، ایشان و دیگر علمای مشهد، در منزل آیت الله سید یونس اردبیلی جلسه ای تشکیل دادند و با صدور اعلامیه ای تند از عملکرد حکومت وقت و شخص رضاخان اعلام انزجار کردند. بعد از آن جلسه، ایشان به سمنان، و دیگر علمای حاضر در جلسه، به مناطق دیگر تبعید شدند. بعد از گذشت حدود هفت سال از تبعید ایشان به سمنان، آیت ا. . . سید هاشم میردامادی تصمیم گرفت از سمنان فرار کند و به مشهد مقدس برگردد. معظم له به طور بسیار سری و مخفیانه، اثاثیه منزل را فروخت و برای حرکت در شب، برای همه کفشهای کتانی بدون صدا و چند کسبه نان تهیه کرد. متأسفانه، شب هنگام در بین راه، مأموران وقت از حرکت ایشان و خانواده معظم له جلوگیری کردند. بدین ترتیب، ایشان مجدداً به سمنان بازگشت و مدتی دیگر را در حبس سپری کرد.

مسجد گوهرشاد

سال ورود ایشان از نجف اشرف به مشهد رضوی، معلوم نیست. ولی همین مقدار می دانیم که قبل از سال ۱۳۱۰، در مشهد اقامت داشت؛ چرا که بعضی از فرزندان ایشان، در همان سالها متولد شده اند. اگرچه بخوبی روشن نیست که در چه سالی برنامه تفسیر قرآن و اقامه جماعت را در جامع گوهرشاد شروع کرد، ولی آنچه درباره آن یقین داریم، این است که ایشان در سال ۱۳۱۴، در جامع گوهر شاد برنامه تفسیر و اقامه جماعت داشت. حضور ایشان بعد از تبعید تا سال ۱۳۳۹ / ۱۳۷۹ ه. ق، که معظم له در بیماری افتاد ادامه داشت. برنامه تفسیر قرآن معظم له که محفل جویندگان حقایق و معارف قرآن بود، سالهای متعددی اهل علم و دانش و بسیاری از طبقات اجتماع را به خود جذب کرد. بیان زیبا و استوار، تسلط کامل به زبان تازی، ادبیات، فقه و حدیث، و مهمتر از همه تزکیه نفس و اخلاق، موجب شد که جلسات تفسیر معظم له، مورد عنایت عام و خاص قرار گیرد.

آثار

۱. رساله ای در رجعت
۲. ترجمه کتاب سیف الامة مرحوم نراقی (ره)، که مقداری از ترجمه به وسیله فرزند ایشان، آیت الله سید حسن میردامادی، به اتمام رسید.
۳. جزوه هایی در سیر و سلوک، که ظاهراً یادداشتهای درس مرحوم قاضی است.
۴. شرح حال بزرگانی از علما با مدارک آن، که به حضور صاحب الامر (عج) رسیدند.
۵. تقریراتی از فقه آخوند خراسانی و مباحث الفاظ مرحوم نائینی
۶. خلاصه البیان: تفسیر فارسی همه قرآن است که چهار

مجلد آن، در سال ۱۳۳۹ در تهران چاپ شد، و مقدمات چاپ دیگر مجلدات انجام شده است.

فرزندان و دامادها

ایشان چهار پسر داشتند، که دو نفر از ایشان اهل علم و دانش شدند:

۱. آیت الله سید حسن میردامادی، که شرح حال معظم له به طور مستقل تحریر گردید.

۲. استاد سید حسین میردامادی، که از مؤلفان، محققان و استاد دانشگاه الهیات مشهد بود، که اخیراً بازنشسته شد.

دامادهای اهل علم ایشان عبارتند از:

۱. مرحوم آیت الله سید جواد خامنه ای، که والد مقام معظم رهبری بود. صبیّه مرحوم سید هاشم میردامادی، خانمی دارای سجایای اخلاقی و حافظ آیات و روایات بود نقل است که با والدشان، مرحوم میردامادی در درس آخوند خراسانی در هنگام صباوت، شرکت می کرد.

۲. آیت الله واعظ زاده خراسانی، که از فرزندان روزگار به شمار می رود. ایشان قبلاً ریاست مجمع تقریب مذاهب اسلامی را برعهده داشت و هم اکنون در بنیاد پژوهشهای آستان قدس در مشهد رضوی، مشغول تألیفات است.

۳. حجت الاسلام والمسلمین سید عباس صدر ایازی، که از روحانیان مشهد است، و در صحن جمهوری اسلامی اقامه جماعت و برنامه سخنرانی دارد.

رحلت

معظم له در شب سه شنبه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۸۰ ه. ق / ۲۳ آذر ۱۳۳۹، در سن ۷۷ سالگی رحلت کرد، و در جوار مرقد مطهر ثامن الحجج، علی بن موسی رضا (ع)، به خاک سپرده شد.



آیت الله سید حسن میردامادی

الهی ایشان، در خاطر مردم مشهد از یاد نرفته است.

خدمات اجتماعی

شیستان ایشان علاوه بر برنامه اقامه جماعت در صبح و شب، و برنامه تفسیر قرآن در تمام سال، مکان با برکتی برای دستگیری محتاجان و طبقات مختلف مردم، بود. ایشان توجه خاصی به رفع مشکلات مادی و معنوی طلاب و دانشجویان داشت. معظم له با رویی باز، از همه نوع کمک به نحو وافر، دریغ نداشت. مهمترین خدمت ایشان، تأسیس مؤسسه خیریه انصارالحجّه بود. این مؤسسه، اولین خیریه و مؤسسه ای بود. که برای کمک به ایتم مستمند تأسیس شد؛ و اکنون نیز، بزرگترین مؤسسه در نوع خود است. در عین حال، الگویی شد که در شهرهای دیگر، بعضی علما و خیران مشابه آن را تأسیس کردند. اخلاص معظم له و تقوا، دو عامل مهم پراستمرار خدمات این مؤسسه تاکنون بوده است. در زمان جنگ این مؤسسه نقش مهمی در کمک رسانی به جبهه های جنگ در مشهد مقدس داشت.

تألیفات

۱. رسائل، مقالات و نگاهشته های مقدماتی راجع به تفسیر و انتشار بعضی از آنها در مجله مکتب اسلام، کتاب معارف اسلام و ارمغان تشیع
۲. تفسیر مقایسه ای قرآن و انجیل، که آماده چاپ است. چون ایشان به زبان عربی روان سخن می گفت، مورد توجه علمای بسیاری از کشورهای عربی؛ همچون مصر، حجاز، سوریه و لبنان بود، و مجالسی علمی با ایشان برپا می شد.

رحلت

همان طور که رسم بعضی از علما بود که به جبهه های جنگ تحمیلی می رفتند و موجب دلگرمی رزمندگان می شدند، ایشان هم بارها به جبهه رفتند. پس از مراجعت از آخرین سفر خود به مناطق مختلف از جمله مناطق شیمیایی شده، سخته عارض ایشان شد. پس از ده ماه بستری، روح پاکش در شب لیلة الرقائب، شب جمعه ۲۱ بهمن ۱۳۶۸، به لقاء الله پیوست. جنازه آن مرحوم با احترام، در جوار مرقد مطهر حضرت رضا (ع) در دار الزهد به خاک سپرده شد.

از ولادت تا هجرت به قم

ایشان درباره ولادت، دوران کودکی، کیفیت تحصیلات و هجرتشان به قم آورده است: «این ناچیز متولد ۱۳۱۰ شمسی، در مشهد مقدس، فرزند سید هاشم میردامادی و فاطمه (انسیه)، دختر سید عبدالله واعظ تبریزی، می باشم. تحصیلات ابتدایی را در سمنان و حضرت عبدالعظیم گذرانیده، پس از رفتن متفقین از ایران، به همراه پدر از ری به مشهد مقدس منتقل، و در مدرسه خیرات خان و بعد در مدرسه نواب، به تحصیلات عربی مشغول [شدم] و قسمت عمده ادبیات را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نموده، پس از دیدن کتب معموله صرف و نحو و منطق و معانی بیان، سطح را نزد مرحوم حاج سید احمد مدرس و مرحوم پدرم طبق معمول شروع نموده؛ ابتدا لمعتین و قوانین و معالم و بعد رسائل و مکاسب و کفایة الاصول را از محضر پدر و مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی-اعلی لله مقامهم- استفاده کردم. و در سال ۱۳۶۸ قمری، از مشهد به قصد ادامه تحصیل، رهسپار قم شدم» [گنجینه دانشمندان، ج ۱، ۱۸۱، ۷].

تحصیلات در قم

معظم له فضای علمی قم و استادان خویش را، این گونه وصف می کند: «در آن زمان، حوزه علمیه قم به برکت وجود مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی، رونق و گرمی بخصوصی داشت. در ابتدای ورود، به درس معظم له حاضر [شدم] و در آن وقت، «صلاة مسافر» را تدریس می کردند. چند روز بعد، درس ایشان را نوشتم و به حضورشان تقدیم کردم. و معظم له بعد از مطالعه، دو روز بعد حقیر را طلبیده، نوشته را مرحمت نمودند و دستور فرمودند اسم این جانب را در دفتر وارد سازند. و سال بعد، در درس آیت الله العظمی امام خمینی (ره) حاضر شدم و تا زمانی که در قم بودم، از درس معظم له استفاده کردم. امام خمینی (ره)، تازه درس شروع کرده بودند. در درس فلسفه علامه طباطبائی شرکت می کردم، و در درس تفسیر معظم له در ایسام تعطیل نیز بهره می بردم، در این دو درس، در تمام مدت تدریس استفاده وافر بردم. مدتی هم از محضر آیت الله محقق داماد استفاده کرده، و - بحمد لله - ساعتی را فارغ نبودم. و با رفقای فاضل و متدین، مباحثات هر درس را ترتیب داده، و با بعضی از رفقا که در مقام تهذیب خود بودند، نزد بعضی از اساتید اخلاق به طور خصوصی حاضر و از مواظ شافیه و دستورات اخلاقی استفاده های معنوی می بردم. چه ساعتها و دقایق پرفیضی، در حوزه علمیه قم داشتم. و تا سال ۱۳۷۹ هجری، در قم بودم. و در خلال آن، با مرحوم والد مسافرتی به عراق داشتم. و در سال اخیر توقف در قم، به سفر حج مشرف شدم».

تفسیر قرآن در مسجد گوهرشاد

بعد از رحلت آیت الله سید هاشم میردامادی، بنا به تقاضای علمای طراز اول مشهد، از جمله آیت الله العظمی میلانی (ره)، و خواست مردم مشهد، برنامه تفسیر قرآن و اقامه جماعت به آیت الله سیدحسن میردامادی سپرده شد؛ به طوری که طلاب، دانشجویان و اقبشار مختلف مردم، از بیان عالمانه و شیوای معظم له استفاده های فراوانی می بردند. و هنوز شیرینی کلام